

بررسی میزان توجه به ساحت‌های شش‌گانه تربیت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی

رضا وفائی*

دکتر سیف‌اله فضل‌الهی قمشی**

احمد طالع‌ی فرد***

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی میزان توجه به ساحت‌های شش‌گانه تربیت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی جمهوری اسلامی ایران است. روش پژوهش توصیفی از نوع تحلیل محتوا بود. جامعه تحلیلی شامل کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) بود که با توجه به ماهیت موضوع و محدودیت جامعه پژوهش نمونه‌گیری انجام نشد و کل جامعه تحلیلی مورد مطالعه قرار گرفت. ابزار جمع‌آوری اطلاعات سیاهه تحلیل محتوا بود که روایی آن با استفاده از قضاوت متخصصان تعیین شد. داده‌های حاصل با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی در فرایند تحلیلی آنتروپی شانون، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان دادند: در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی ۵۲۸ مرتبه به ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش توجه شده، که به تفکیک در پایه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم به ترتیب ۱۳۸، ۸۷، ۱۳۶ و ۱۶۷ مرتبه می‌باشد. از میان ابعاد مورد بررسی، بعد علمی و فناوری با میزان بار اطلاعاتی ۹۸٪ و ضریب اهمیت ۱۷۸٪ بیشترین توجه را به خود اختصاص داده است، این در حالی است که بعد اقتصادی و حرفه‌ای با میزان بار اطلاعاتی ۷۳٪ و ضریب اهمیت ۱۳۳٪ کمترین میزان توجه را به خود اختصاص داده است.

واژه‌های کلیدی: مطالعات اجتماعی، ساحت‌های شش‌گانه تربیت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تحلیل محتوا، روش آنتروپی شانون

تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۹

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۲۸

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مطالعات برنامه‌درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی
vafaeireza10@gmail.com

** استادیار برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی قم

*** کارشناس ارشد مطالعات برنامه درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی

عرصه تعلیم و تربیت از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه‌های مختلف است. تعلیم و تربیت دارای کارکردهای مختلفی از جمله علمی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. از این رو موضوعی مهم و ابزاری موثر و کارآمد برای توسعه علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شناخته می‌شود (مرزوقی، ۱۳۸۴: ۹۳ و کاظمی، ۱۳۸۷: ۲).

نظام آموزش و پرورش کشور - به رغم فعالیت‌های اصلاحی و تلاشی که برای بهبود اجزاء و عناصر آن در طول سه دهه بعد از انقلاب اسلامی در آن انجام داده است، بدلیل عدم ابتناء بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی نتوانسته است کارکرد مورد انتظار را داشته باشد، به گونه‌ای که بتواند تربیت یافتگانی در تراز جمهوری اسلامی پرورش دهد که از شایستگی‌ها و توانمندی‌های اعتقادی، عاطفی و رفتاری و هماهنگ با نیازهای جامعه برخوردار باشند (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

تحول در نظام آموزش و پرورش کنونی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. تاکنون سیاست‌ها و راهبردهای مختلفی برای تحول در این نظام به کار گرفته شده که چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. از آنجا که نظام آموزش و پرورش موجود کهنه، وارداتی، تقلیدی و غربی بوده و خروجی آن یعنی دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل دارای ویژگی‌های شخصیتی مورد انتظار نمی‌باشند، تحول زیربنایی در آموزش و پرورش بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و برای نیل به اهدافی از جمله ایجاد باور عمیق به اسلام و اندیشه‌ها و ارزش‌های والا و در نهایت دستیابی به چشم‌انداز ۱۴۰۴ طراحی شده است (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). تحقق این هدف‌ها نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده است تا با الهام‌گیری از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

همچنین لزوم هماهنگی با حرکت شتابان و تحولات سریع اجتماعی و بهره‌گیری از تجارب موفق آموزشی و تربیتی عصر حاضر، تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت

کشور را بیش از پیش نمایان نمود. با بهره‌گیری از توان گروه وسیعی از صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت حوزوی و دانشگاهی تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش در دستور کار قرار گرفت و تدوین مفاد سند تحول بنیادین، ابتدا در شورای عالی آموزش و پرورش در جلسات متعددی از تاریخ ۸۸/۱۱/۱۲ آغاز و تا سال ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گرفت و پس از تصویب در شورای عالی وزارت آموزش و پرورش، در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح و پس از جلسات متعدد در شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد تصویب قرار گرفت و برای اجرا به وزارت آموزش و پرورش ابلاغ شد. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوبه شورای عالی وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰) از گسترده‌ترین طرح‌های نرم‌افزاری است که با تأکید بر جنبه‌های کیفی، رابطه عناصر نظام در درون و با محیط پیرامون و مباحث ساختاری تدوین شده است. قلمرو سند عرصه‌های توسعه اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در آموزش و پرورش در برمی‌گیرد و برای آن‌ها تعیین تکلیف می‌کند. این سند پایه، ملاک و راهنمای تصمیم‌گیری‌های اساسی برای هدایت، راهبری، نظارت و ارزشیابی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به منظور تحقق تحولات محتوایی و ساختاری است.

در این سند مفهوم تربیت در جامع‌ترین صورت خود به عنوان فرایندی جامع -شامل تمام تلاش‌های زمینه‌ساز تحول اختیاری و آگاهانه آدمی -که به صورت امری واحد و یک پارچه و درهم تنیده، با تحول تمام ابعاد وجودی انسان را در برمی‌گیرد، دیده شده است. بدیهی است که به لحاظ منطقی هیچ یک از بخش‌های زیرمجموعه این فرایند جامع، نمی‌توانند در عرض آن تلقی شوند. در پیشینه علمی و فرهنگی ما، از گذشته‌های دور واژه تربیت شامل تمام ابعاد و اجزای فرایندی است که زمینه تحول اختیاری و آگاهانه آدمی را فراهم می‌کند. لذا نه تنها به لحاظ گستره مفهومی نیاز به واژه مکملی مانند تعلیم ندارد، بلکه به نظر می‌رسد استفاده از هرگونه واژه‌ای در عرض این کلمه (به صورت ترکیب عطفی) تقلیل این مفهوم گسترده به بخش‌هایی از آن و نیز باعث نگرش تفکیکی به این فرایند یک پارچه و درهم تنیده خواهد شد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۵). براساس نگرش اسلامی این مفهوم دربردارنده تمام اقدامات و تدابیری (مانند تمهید شرایط محیطی، تأدیب، تزکیه، تعلیم، مهارت‌آموزی، تذکر و موعظه) است که باید در راستای هدفی واحد (یعنی شکل‌گیری و تعالی شخصیتی یک پارچه و توحیدی) به‌طور سنجیده و

مرتبط، هماهنگ و درهم تنیده سامان یابند(شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).
پیش فرض های نظام تعلیم و تربیت اسلامی این است که اسلام یک سیستم مفهومی جامع است و همه زندگی را پوشش می دهد. از این رو نمی توان اهداف تربیت را بدون توجه به اهداف اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، هنری و علمی مدنظر قرار داد. اهداف باید به گونه ای تنظیم شوند که ناظر به همه ابعاد باشند و همچون یک سیستم، انسجام و هماهنگی لازم را داشته باشند. سیستم مجموعه ای از عناصر با مجموعه ای از ارتباطات است که در تعادلی پویا برحسب هدفی معین، سازمان یافته اند و کل، چیزی بیشتر از حاصل جمع اجزاء است و از ویژگی هایی برخوردار است که عبارتند از: ۱- عناصر آن، تعامل چند سویه دارند، کلیتی فراتر از حاصل جمع ساده اجزاء دارند، در دو جنبه ساختاری و کارکردی، سازمان یافته اند، دارای درجاتی از پیچیدگی هستند که برای فهم آن زمان کافی، دقت کافی و روش مناسب لازم است(کاویانی، ۱۳۸۸: ۸۲).
جامعیت مفهوم تربیت در سند تحول بنیادین به حدی است که شئون مختلفی را در برمی گیرد. این شئون عبارتند از:

● **ساحت اعتقادی، عبادی و دینی:** این ساحت در برگیرنده بعد اعتقادی، عبادی و دینی است. بعد دینی بعد عام تربیت است و بعد اعتقادی و عبادی بعد خاص تربیت است و در برگیرنده اصول(توحید، نبوت، امامت و معاد) و فروع دین است. این شان از تربیت بر انتخاب آگاهانه و اختیاری تربیت براساس نظام معیار اسلامی تاکید دارد. در این ساحت صرف شناخت آموزه های دینی، اصول و فروع دین مطرح نیست بلکه باور به آن اعتقادات دارای ارزش است. نظام تعلیم و تربیت اسلامی با قواعد خاص دنبال موحدسازی است(صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۷). این ساحت بر انتخاب آگاهانه و اختیاری دین حق به عنوان آیین زندگی، التزام(عملی) آگاهانه و اختیاری نظام معیار دینی در همه شئون زندگی(تقید اختیاری به احکام و ارزش های دینی و اصول و آداب اخلاقی در زندگی روزمره) و تلاش پیوسته برای خودسازی براساس نظام معیار دینی(حفظ کرامت و عزت نفس، خویشستن داری و مهار غرائز طبیعی، تعدیل عواطف و تمایلات طبیعی، رعایت آداب و کسب صفات و فضائل اخلاقی و پیشگیری از تکوین صفات و ردائل غیراخلاقی و درمان آنها) تاکید دارد(شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

● **ساحت زیستی و بدنی:** این ساحت ناظر به حفظ و ارتقای سلامت و بهداشت

جسمی و روانی خود و دیگران، تقویت قوای جسمی و روانی، مبارزه با عوامل ضعف و بیماری، حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت است (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). در قرن بیست و یکم مسأله آلودگی و تخریب محیط زیست از مهمترین مسائل جهانی تعلیم و تربیت خواهند بود. این تهدید بشر را وادار خواهد کرد که در افکار کنونی خود درباره انسان و طبیعت تجدید نظر کند و نسبت به آینده زیست محیطی کره خاکی بینش جدیدی کسب کنند. چنانچه آموزش و پرورش نسل جوان را نسبت به عواقب و تاثیرات منفی آلودگی محیط زیست آگاه سازد، به گونه‌ای که نوعی احساس تعهد فکری و التزام عملی نسبت به محیط زیست در آن‌ها به وجود آید.

● **ساحت اجتماعی و سیاسی:** این ساحت ناظر به ارتباط مناسب با دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان، همکاران و ...)، تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی (رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، پاسداشت ارزش‌های اجتماعی)، کسب دانش، اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی (بردباری، وفاق و همدلی، درک و فهم اجتماعی، مسالمت‌جویی، درک و فهم سیاسی، عدالت اجتماعی، درک و تعامل میان فرهنگی، تفاهم بین‌المللی، حفظ وحدت و تفاهم ملی) است (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). این ساحت هرگونه استبداد و دیکتاتوری را نفی می‌کند و درک و فهم را منحصر به خود نمی‌داند بلکه برای تمام انسان‌ها احترام قائل است و قلمرو حق و حقیقت را منحصر در فهم خود نمی‌کند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۷).

● **ساحت اقتصادی و حرفه‌ای:** این ساحت ناظر به توانایی آدمی در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه‌ای (درک و فهم مسائل اقتصادی، درک و مهارت حرفه‌ای، التزام به اخلاق حرفه‌ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره‌وری، تلاش جهت حفظ و توسعه ثروت، اهتمام به بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب و کار، احکام معاملات و التزام به اخلاق و ارزش‌ها در روابط اقتصادی) است (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). دین خواستار سطحی از روابط اقتصادی و حرفه‌ای است که همه رابطه‌ها براساس عدل و احسان شکل گیرد. اهداف دین را نباید به محدوده زندگی فردی فرو کاست. حرکت انبیاء و امامان در پی ایجاد شکلی متفاوت در روابط اجتماعی و اقتصادی است. مومن در پرتو آموزش‌های دینی درمی‌یابد که او نسبت به دیگران تکلیفی

دارد و دیگران بر گردن او حقی دارند. عدل رعایت استحقاق‌ها است و احسان تفضل است، رعایت عدل در روابط اعتدال و تعادل را به دنبال دارد و احسان و تفضل به افزایش محبت و صمیمیت در اجتماع می‌انجامد (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۲۱۵).

● **ساحت علمی و فناوری:** این ساحت ناظر به توانمندی افراد جامعه در شناخت، بهره‌گیری و توسعه نتایج خردورزی و تجربه متراکم بشری در انواع دانش و فناوری (فهم و درک انواع دانش‌های مفید و لازم برای زندگی، کسب مهارت دانش‌افزایی، به‌کارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی در حل مسائل زندگی، توان تفکر انتقادی، خلاقیت و نوآوری در انواع دانش، کسب دانش، بینش و تفکر فناورانه برای بهبود کیفیت زندگی روزمره) است (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). سرعت سرسام‌آور تکامل فن‌آوری باعث می‌شود که نظام تعلیم و تربیت با ساختار فعلی خود نتواند فاصله‌ای منطقی و متناسب با پیشرفت‌های علمی داشته باشد. با توجه به ارتباط میان علم و فناوری و آموزش و پرورش به نظر می‌رسد حفظ فاصله معقول و منطقی بین علم روز و آن چه در مدارس و موسسات آموزشی ارائه می‌شود موضوع مهمی در تعیین هدف‌گذاری در این زمینه خواهد بود. فناوری اطلاعات علاوه بر این که دسترسی به اطلاعات علمی، اشخاص و منابع غنی آموزشی را میسر می‌سازد، در بهبود کیفیت برنامه‌های آموزشی و درسی نیز می‌تواند موثر باشد (حیدری، پاک‌سرشت و صفایی‌مقدم، ۱۳۸۴: ۱۴۶).

● **ساحت زیبایی‌شناختی و هنری:** این ساحت ناظر به فعالیت قوه خیال و بهره‌مندی از عواطف، احساسات و ذوق زیبایی‌شناختی (توان درک و تقدیر از موضوعات و افعال دارای زیبایی مادی یا معنوی) و توان خلق آثار هنری و قدردانی از آثار و ارزش‌های هنری است. مقصود اصلی دین تنظیم و هدایت حیات انسان در زمینه چهار ارتباط اصیل و ثابتی است که هر فرد باید به منزله موجودی آگاه و مختار با هستی (رابطه با خویش، رابطه با خداوند، رابطه با انسان‌های دیگر و رابطه با طبیعت) برقرار کند. عقل و تجربه محدود آدمی (ولو در شکل تراکم یافته جمعی) به دلیل احاطه نداشتن بر همه واقعیات و حقائق مربوط به این روابط، نمی‌تواند بدون راهنمایی دین متکفل تنظیم و تدبیر شایسته آن‌ها شوند. از این رو تخصیص هدایت نظام معیار دینی به برخی از جنبه‌های زندگی با مقصود از تشریح دین - به مثابه آیین جامع زندگی منافع دارد (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). جامعه بشری در فرآیند جهانی شدن به نوعی یکپارچگی سیاسی،

اقتصادی و علمی نیازمند است، ولی این همسانی در برگیرنده تفاوت‌های فرهنگی و هنری نخواهد بود (حیدری و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۵۶).

از جمله کانون‌های تاثیرگذار برای اجرایی کردن سند تحول بنیادین، برنامه‌های درسی است. برنامه‌های درسی یکی از مهمترین عناصر و آینه تمام‌نمای موفقیت و شکست و حتی در بیشتر موارد جهت‌دهنده نظام آموزشی است و محمل مناسبی برای ارائه دانش، تغییر نگرش و آموزش مهارت‌هایی به دانش‌آموزان، بزرگسالان و تصمیم‌گیرندگان اولیه خواهند بود. محصول برنامه درسی کتاب درسی است. بررسی وضعیت موجود کتاب‌های درسی از این جهت مهم است که تصویر دقیقی از کم و کیف توجه به این مضامین به دست می‌دهد و در حکم بررسی وضعیت موجود، بینش‌های لازم را برای برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران طراحی برنامه‌های درسی جهت تدوین برنامه‌ها و پوشش دادن حیطه‌ها و برنامه‌های درسی پنهان و مغفول فراهم می‌آورد (مهرمحمدی و محمودی، ۱۳۹۱: ۱۴۶، نیلی، موسوی، نصر و مسعود، ۱۳۹۳: ۶۲).

امروزه در نظام‌های متمرکز اغلب فعالیت‌های آموزشی و پرورشی مدارس در چارچوب کتاب درسی و محتوای آن انجام می‌گیرد (سبحانی‌نژاد؛ جعفری‌هرندی و نجفی، ۱۳۹۴: ۸۰). از این‌رو محتوای دروس دربردارنده مجموعه‌ای از دانش‌ها (حقایق، تبیین‌ها، اصول، تعاریف)، مهارت‌ها، فرآیندها (خواندن، نوشتن، حساب کردن، تفکر منطقی، تصمیم‌گیری، ایجاد ارتباط) و ارزش‌ها (خوب و بد، صحیح و غلط، زشت و زیبا) است که دانش‌آموز در ضمن آموزش یا در فرآیند یاددهی-یادگیری با آن در تعامل قرار می‌گیرد (نوریان، ۱۳۸۹: ۶۵، ملکی، ۱۳۸۹: ۶۸، مارش، ۲۰۰۳: ۱۱۱). به دنبال تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) تحول در کتاب‌های درسی آغاز شد و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تدوین کتاب‌های درسی جدید در دوره ابتدایی را براساس مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) آغاز نمود. یکی از کتاب‌های درسی دوره ابتدایی که معمولاً از پایه سوم شروع می‌شود کتاب درسی مطالعات اجتماعی است. مطالعات اجتماعی یک حوزه مهم یادگیری است که از انسان و تعامل او با محیط‌های گوناگون در طی زمان‌های مختلف (گذشته، حال و آینده) و جنبه‌های گوناگون این تعامل (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و

... بحث می‌کند و رشته‌های مختلفی چون تاریخ، جغرافیا، مدنی، اقتصاد، علوم سیاسی، حقوق، مردم‌شناسی و نظایر آن را در برمی‌گیرد.

مطالعات اجتماعی کشور ما به منظور سازماندهی تلفیقی محتوا، پنج حوزه موضوعی انتخاب شده است: ۱- فضا و مکان ۲- زمان، تداوم و تغییر ۳- فرهنگ و هویت ۴- نظام اجتماعی ۵- منابع و فعالیت‌های اقتصادی. هریک از این حوزه‌ها ناظر به تعدادی از رشته‌های یاد شده است و تعدادی از مفاهیم کلیدی مربوط را پوشش می‌دهد. به علاوه، مطالعات اجتماعی یکی از دروس مهم شامل «آداب و مهارت‌های زندگی» محسوب می‌شود.

رویکرد اصلی برنامه جدید مطالعات اجتماعی، «رویکرد فرهنگی - تربیتی» است. این برنامه سعی می‌کند زمینه‌های تربیت فردی و اجتماعی کودکان و نوجوانان را در بستر عناصر و عرصه‌های برنامه درسی ملی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی فراهم آورد. به عبارت دیگر، تربیت شهروندانی مومن، مسئول، آگاه و توانمند در زندگی فردی و اجتماعی، پایبند به اخلاق و ارزش‌های دینی و علاقه‌مند به ایران و هویت اسلامی - ایرانی، هدف اصلی این برنامه درسی است. بر طبق برنامه درسی ملی روابط انسان در چهار عرصه تعریف می‌گردد: ارتباط با خود، ارتباط با خلق (دیگر انسان‌ها)، ارتباط با عالم خلقت و ارتباط با خدا. در کتاب مطالعات اجتماعی دانش‌آموز ابتدا از خود شروع می‌کند؛ سپس ارتباط با اعضای خانواده و مدرسه گسترش می‌یابد، دانش‌آموزان از راه یادگیری مفاهیمی چون منابع طبیعی، جهت‌های جغرافیایی و نظایر آن آموزش‌های لازم را در زمینه ارتباط با محیطی که در آن زندگی می‌کنند، فرامی‌گیرند و البته تلاش می‌شود که همه این روابط به وجود خالق هستی پیوند زده شود. در این درس پرورش مهارت‌های کاوشگری از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. از آنجایی که در دنیای امروز با توجه به گستردگی علوم و فنون، امکان آموزش همه موضوعات وجود ندارد، پس باید به دانش‌آموزان چگونگی یادگرفتن را یاد داد و این امر با پرورش مهارت‌های کاوشگری (بررسی و کاوش، برقراری ارتباط، مشارکت، خلاقیت و اظهارنظر) محقق می‌شود (فلاحیان و ملک محمودی، ۱۳۹۲: ۱).

اهمیت موضوع به‌حدی است که صاحب‌نظران و پژوهشگران زیادی در زمینه بررسی سند تحول بنیادین و تحلیل جایگاه آن در کتاب‌های درسی پژوهش‌هایی انجام

داده‌اند از جمله: رهبری؛ بلباسی و قربی (۱۳۹۴) در مطالعه خود در زمینه جایگاه هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه دست یافتند که هویت ملی ایرانی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، ترکیبی از سه بُعد هویت اسلامی (توحید، اصول و آموزه‌های اسلامی، حیات طیبه، عدالت، مهدویت و انتظار، امر به معروف و نهی از منکر، ولایت فقیه، حجاب)، هویت ایرانی (توسعه بومی، وحدت ملی، زبان فارسی، روحیه انقلابی و جهادی، میراث فرهنگی و تمدنی، سرود و پرچم ملی، آمیختگی اسلام و ایران، سرزمین ایران) و هویت متجددانه (فناوری‌های نوین، رسانه و زبان خارجی) می‌باشد که می‌تواند موجبات همبستگی ملی را در میان دانش‌آموزان فراهم نماید که در این میان، لایه هویت اسلامی از برجستگی و تاکید بیشتری در این سند برخوردار است.

محمدی‌پویا، صالحی و مومیوند (۱۳۹۴) در مطالعه خود در زمینه تحلیل محتوای نهج‌البلاغه براساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش دریافتند که در نهج‌البلاغه ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی با ۴۷ مؤلفه، ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی با ۲۹ مؤلفه، ساحت تربیت زیستی و بدنی با ۸ مؤلفه، ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری با ۱۳ مؤلفه، ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای با ۸ مؤلفه، ساحت تربیت علمی و فناوری با ۱۰ مؤلفه قابل پیگیری هستند. ارتباط زیاد بین ساحت‌های تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نهج‌البلاغه به‌عنوان یکی از متون اسلامی ارزشمند حاکی از این است که پژوهش‌هایی از این دست می‌تواند به غنی‌تر ساختن اسناد تعلیم و تربیت توسط متون دینی و اسلامی کمک نماید.

سبحانی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه خود در زمینه تبیین عوامل مفهومی فرهنگ ایثار و شهادت و تحلیل جایگاه آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران به این نتیجه دست یافتند که چارچوب مفهومی فرهنگ ایثار و شهادت را می‌توان براساس مدارک و مستندات مرتبط در ۴ بُعد و ۴۳ عامل تدوین نمود. به‌علاوه در مجموع ۱۷۷ مرتبه به عوامل فرهنگ ایثار و شهادت توجه شده که میزان تراکم آن در بخش هدف‌های عملیاتی و راه‌کارها با ۳۹ فراوانی و ۲۲ درصد زیاد و در بخش چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین با ۲ فراوانی و ۱/۱ درصد بسیار کم است. همین‌طور بین عوامل مورد بررسی، صفات عملی ایثار و شهادت با میزان بار اطلاعاتی ۰/۸۵۸ و ضریب

اهمیت ۴۰۴٪/ بیشترین توجه را به خود اختصاص داده و این در حالی است که به عامل جایگاه و ارزش ایثار و شهادت توجه‌ای نشده است. صفارحیدری و حسین‌نژاد (۱۳۹۳) در مطالعه خود در زمینه رویکردهای عدالت آموزشی (نگاهی به جایگاه عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران) به این نتیجه دست یافتند که سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش بر رویکرد آرمان‌گرا و براساس آمیزه‌ای از خوانش ایدئولوژیک از دین تدوین شده است. از این رو، به نظر می‌رسد که سند در تحقق عدالت آموزش دارای چالش‌هایی است. این چالش‌ها از یک سو به ماهیت رویکرد آرمان‌گرایی و از سوی دیگر، به نگاه محدود ایدئولوژیک به عدالت برمی‌گردد. به نظر می‌رسد تحقق عدالت آموزشی نیازمند رویکردی معنوی و تکرنگرا به انسان و جامعه است. درون‌مایه‌های چنین رویکردی را در درون سنت فکری و عرفانی اسلامی می‌توان باز یافت. قاسمی و کاظمی (۱۳۹۳) در مطالعه خود در زمینه «تحلیل محتوای کتاب درسی هدیه‌های آسمان پایه ششم ابتدایی و میزان انطباق آن با مبانی قرآنی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» دریافتند که از ۳۳ هدف تدوین شده کتاب تعداد ۳۲ هدف یعنی ۹۶٫۹۶ درصد اهداف کتاب دارای ارجاع به آیات قرآنی می‌باشند و تعداد ۱ هدف یعنی ۳٫۰۳ درصد اهداف دارای ارجاع به آیات قرآنی نمی‌باشند.

پیروانی‌نیا و پیروانی‌نیا (۱۳۹۲) در مطالعه خود در زمینه تحلیل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از نظر میزان اهمیت به یادگیری سازمانی به این نتیجه دست یافتند که بیشترین توجه به مولفه‌های تصمیم‌گیری و تعامل با محیط بیرونی و کمترین توجه به ترتیب به مولفه‌های گفت و گو و تجربه‌اندوزی و آزمایش شده است. به نظر می‌رسد که برای دستیابی به اهداف سند تحول بنیادین، لازم است در همه زمینه‌های یادگیری سازمانی فرهنگیان تجدید نظری کلی در سیاست‌های اجرایی آموزش و پرورش انجام شود.

گودرزی (۱۳۹۲) در مطالعه خود در زمینه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فلسفه و جایگاه تربیت بدنی نشان داد که در سند چشم‌انداز آموزش و پرورش توجه ویژه و خاصی به تربیت بدنی شده و از آن به عنوان ابزاری مهم برای تعلیم و تربیت یاد شده است.

بیجنوند و باقری (۱۳۹۱) در مطالعه خود که در زمینه ساحت‌های تربیت انجام شد دریافتند که توجه به ساحت علمی و فناورانه با مؤلفه‌هایی از قبیل قضاوت با معیار

روشن و پرهیز از تعجیل در قضاوت، استدلال در امور، حقیقت‌جویی، بررسی مسائل از زوایای مختلف، دوری از اغراض شخصی، شفاف‌سازی و عینیت‌گرایی در امور، انعطاف‌پذیری در عقاید، شک‌گرایی معقول (تردید سازنده) و احترام قائل شدن برای سایر دیدگاه‌ها، همراه است.

نجفی و احمدی (۱۳۹۱) در مطالعه خود در زمینه اهمیت، نقش و کارکرد خانواده از دیدگاه اسلام و بررسی جایگاه آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به این نتیجه دست یافتند که آن‌گونه که شایسته و بایسته است به خانواده به مثابه یک نهاد بنیادین و مرکز تربیت نسل و انتقال ارزش‌های اخلاقی، تربیتی توجه کافی نشده و همین‌طور راه‌کارهای اجرایی برای ایفای نقش و مشارکت در امور تحصیلی و تربیتی فرزندان‌شان ارائه نشده است.

بیجنوند (۱۳۸۹) در مطالعه خود که در زمینه تربیت مدنی در نهج‌البلاغه انجام داد دریافت که الزامات تربیت مدنی برخوردار از تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی (که ناظر به خودشناسی و معرفت نسبت به خداوند متعال، معاد، نبوت و پذیرش ولایت رهبران دینی و پیروی از ایشان بوده از قبیل خدامحوری، خودشناسی، عدالت‌محوری، توکل بر خدا، دعا و استعانت از خدا) و برخوردار از تربیت اجتماعی و سیاسی (که ناظر به مؤلفه‌هایی از جمله مردم‌سالاری، قانون‌مندی، شایسته‌سالاری، احترام و محبت، مسئولیت‌پذیری، حفظ شأن انسانی، وفای به عهد، نظارت و پاسخگویی است) می‌باشد. باب‌الحوائجی و عینی (۱۳۸۸) در مطالعه خود در زمینه تحلیل محتوای میزان به‌کارگیری استانداردهای سواد اطلاعاتی در دو ساحت فرهنگی هنری و ساحت علمی فناوری سند ملی چشم‌انداز بیست ساله آموزش و پرورش به این نتیجه دست یافتند که میزان به‌کارگیری استانداردهای سواد اطلاعاتی در ساحت علمی- فناوری سند ملی نسبتاً زیاد و در ساحت فرهنگی- هنری سند پایین‌تر از متوسط است و تعداد مقوله‌های مرتبط با استانداردها در سند ملی پایین‌تر از میزان متوسط است.

حال براساس این شواهد سوالی که مطرح است این است که در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی (سوم، چهارم، پنجم و ششم) که به عنوان کتاب درسی دارای کارکردهای متعددی هستند به چه میزان به ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین توجه شده است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی از نوع تحلیل محتوا^۱ انجام گردیده است. کرلینجر^۲ (به نقل از بیابانگرد، ۱۳۸۴: ۳۹۰) تحلیل محتوا را روشی پژوهشی برای توصیف عینی، منظم و کمی متغیرها دانسته است. جامعه تحلیلی پژوهش حاضر شامل ۴ عنوان کتاب درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی (پایه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم) در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ می باشد که در دفتر تالیف و برنامه‌ریزی کتب درسی تدوین شده است. موضوعات کتاب مطالعات اجتماعی در پایه سوم تا ششم عمدتاً محدود به مباحث جغرافیا، تاریخ و تعلیمات مدنی است که سعی شده است تعادل نسبی در هر پایه در پرداختن به این موضوعات سه‌گانه رعایت شود.

واحد ثبت به بخش معنادار و قابل رمزگذاری محتوا اطلاق می‌شود که در این مطالعه، مضمون است. منظور از مضمون پیام خاصی است که از جانب فرستنده پیام مورد توجه قرار گرفته است. روش شمارش در این مطالعه، فراوانی است. مقوله‌بندی و تعیین شاخص‌ها در این تحقیق با روش جعبه‌ای انجام پذیرفته است، یعنی طبقات (مقوله‌ها) قبل از اجرای تحقیق تعیین شدند و به همین دلیل به آن، روش از پیش تعیین شده نیز می‌گویند (نوریان، ۱۳۸۹: ۶۵؛ نجفی، وفائی و ملکی، ۱۳۹۴). در این پژوهش برای این که تحلیل محتوا انجام شود، ابتدا مولفه‌های مرتبط با ابعاد شش‌گانه تربیت از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش استخراج شد، و به دنبال آن محتوا براساس آن چارچوب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در دو مرحله تدوین شد: مرحله اول: تعیین مؤلفه‌های مفهومی ساحت‌های شش‌گانه تربیت و مرحله دوم: تدوین فهرست سیاهه بررسی محتوا بود.

۱. تعیین مؤلفه‌های مفهومی ساحت‌های شش‌گانه تربیت: در این مرحله یعنی تعیین مؤلفه‌های ساحت‌های شش‌گانه تربیت، روش کار به این صورت بود که ابتدا با توجه به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (ساحت‌های شش‌گانه تربیت) و با توجه به اهداف

1- Content Analysis
2- Kerlinger

پژوهش ابعاد استخراج شدند و به دنبال آن براساس ابعاد تعیین شده، مؤلفه‌های مرتبط با هر یک از ابعاد نیز تعیین شدند. چارچوب تدوین شده در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. مؤلفه‌های ساحت‌های شش‌گانه تربیت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

اعتقادی	پدیرش آگاهانه اصول دین و مذهب (توحید، نبوت، امامت، عدل و معاد)، تسلیم بودن در برابر قضاء و قدر الهی، پرهیز از تحجر و خرافه‌گویی، امیدواری به رحمت خدا	اعتقادی، اخلاقی، عبادی
اخلاقی	گسترش فضائل (صبر، توکل، شکرگزاری، وفای به عهد و همنشینی با نیکان و اصلاح و خودسازی)، مبارزه با رذائل (عجب و خودپسندی، مصاحبت با بدان).	
عبادی	انجام واجبات، التزام عملی به ارزش‌ها و احکام اسلامی، دعا و استعانت از خدا	
سیاسی	آشنایی با قهرمانان و اسطوره‌های تاریخی و رهبران ملی و مذهبی و نهادهای سیاسی، احساس مسؤلیت، تمایل به مشارکت، علاقه‌مندی به سنت‌ها و ارزش‌ها، اطاعت از قوانین، پرداخت مالیات، مشارکت فعال در تصمیم‌گیری، دفاع از اهداف و آرمان‌های ملی، ستایش و تمجید از افتخارات، ادای احترام به نمادهای ملی، مبارزه در راه آرمان‌ها، حرمت نهادن به حقوق دیگران	سیاسی - اجتماعی
اجتماعی	ارتباط مناسب با دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان و ...)، پاکیزگی و وقت‌شناسی، مؤدب و آرام بودن، منتظر نوبت شدن، احترام و اطاعت از بزرگتر و مربیان، احترام قائل شدن برای سایر دیدگاه‌ها، سعه‌صدر	
زیستی - بدنی	رعایت بهداشت جسمی و روانی، تقویت قوای جسمی و روانی، مبارزه با عوامل ضعف و بیماری، حفاظت از منابع طبیعی و احترام به طبیعت	
زیبایی‌شناختی و هنری	زیباسازی محیط زندگی، تخیل، نیکو داشتن هنر، آرامش روانی، زیبایی ظاهری، درک موضوعات ذهنی، توان درک خلق آثار هنری، خلق معنا و کشف معنا، دریافت احساس و معنا	
اقتصادی و حرفه‌ای	پرهیز از بطلالت و بیکاری، پرهیز از اسراف و تبذیر، توجه به کارآفرینی، کسب درآمد حلال، توجه به انتخاب آگاهانه شغل مناسب با توجه به توانایی	
علمی و فناوری	قضاوت با معیار روشن و پرهیز از تعجیل در قضاوت، استدلال در امور، حقیقت‌جویی، بررسی مسائل از زوایای مختلف، دوری از اغراض شخصی، شفاف‌سازی و عینیت‌گرایی در امور، انعطاف‌پذیری در عقاید، شک‌گرایی معقول (تردید سازنده)، احترام قائل شدن برای سایر دیدگاه‌ها	

به منظور آگاهی از روایی چارچوب مفهومی ابعاد و مؤلفه‌های ساحت‌های شش‌گانه تربیت، چارچوب تدوین شده در اختیار صاحب‌نظران آشنا به سند تحول بنیادین تربیت قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد که چارچوب فوق را با توجه به انطباق هر ساحت با مؤلفه‌های آن مورد بررسی قرار دهند. صاحب‌نظران پس از مطالعه چارچوب مفهومی دیدگاه‌های خود را پیرامون مؤلفه‌های هرکدام از ابعاد، در اختیار گذاشتند. به دنبال آن براساس نظرات دریافتی از صاحب‌نظران، اصلاحات پیشنهادی انجام و چارچوب اصلاحی مجدداً در اختیار صاحب‌نظران قرار داده شد. صاحب‌نظران چارچوب نهایی و همین‌طور انطباق ابعاد با مؤلفه‌ها را مورد تأیید قرار دادند.

۲. **تدوین سیاهه و ارسای محتوا:** براساس چارچوب مفهومی تدوین شده سیاهه و ارسای محتوا تدوین شد. بدین معنی که جدولی تنظیم شد که در ستون اول ساحت‌های شش‌گانه تربیت، در ستون دوم به تفکیک در ردیف‌های جداگانه تک تک مؤلفه‌های هر بعد و در ستون سوم مصادیق مؤلفه‌ها و در ستون چهارم حضور و یا عدم حضور آن در کتاب درس مطالعات اجتماعی قرار داده شد. لازم به ذکر است که چنین سیاهه و ارسای به تفکیک برای هر پایه جداگانه تدوین شد.

جهت تأمین پایایی این ابزار، از روش اسکات^(۱۳۹۱) استفاده شده است. بدین صورت که سیاهه و ارسای محتوا در اختیار ۶ نفر از صاحب‌نظران مذکور قرار گرفت و ضریب توافق آن‌ها براساس فرمول ذیل محاسبه شد.

مقوله‌های کل

$$C.R = \frac{\text{مقوله‌های مورد توافق}}{\text{کل مقوله}} \times 100$$

$$x = \frac{42 + 43 + 41 + 40 + 42 + 40}{6 \times 43} \times 100 = 96/5$$

براساس فرمول اسکات، ضریب توافق بین صاحب‌نظران پیرامون فرم تحلیل محتوای تدوین شده ۹۶/۵ می‌باشد که ضریب توافق بالا و قابل ملاحظه‌ای است.

روش اجرا

پس از تدوین سیاهه واری و محاسبه روایی و پایایی آن تحلیل محتوا آغاز شد. بدین معنی که کتاب‌های مطالعات اجتماعی از پایه سوم به بعد (بخش محتوا - تصاویر و فعالیت‌ها) تک تک با استفاده از سیاهه واری محتوا مورد واری قرار گرفت و موارد همسو ثبت شد. سپس فراوانی هر مؤلفه شمارش شده و دقیقاً تعیین شد که هر کتاب به چه میزانی به این موضوع توجه کرده است

داده‌ها با استفاده از شاخص‌های توصیفی در فرایند تحلیلی آنتروپی شانون مورد بررسی قرار گرفت. بدین معنی که داده‌های پژوهش در فرایند تحلیلی آنتروپی شانون (بهنجار کردن داده‌های جدول فراوانی، محاسبه بار اطلاعاتی مقوله‌ها و به دست آوردن ضریب اهمیت آن‌ها) تجزیه، تحلیل و توصیف شدند که در ادامه به توضیح مراحل سه‌گانه آن پرداخته شده است.

● **مرحله اول:** ماتریس فراوانی‌های جدول فراوانی باید بهنجار شوند که برای این کار از این رابطه استفاده می‌شود:

$$P_{ij} = \frac{F_{ij}}{\sum_{i=1}^m F_{ij}} \quad (i=1,2,3,\dots,m; j=1,2,\dots,n)$$

هنجار شده ماتریس فراوانی $P =$ فراوانی مقوله $F =$ شماره پاسخگو $i =$ شماره مقوله $j =$ تعداد پاسخگو $m =$

● **مرحله دوم:** بار اطلاعاتی هر مقوله محاسبه و در ستون‌های مربوطه قرار داده شد و برای این منظور از رابطه زیر استفاده شد.

$$E_{j=K} = \sum_{i=1}^m [p_{ij} L_n p_{ij}] \quad (j=1,2,n) \quad k = \frac{1}{L_{nm}}$$

هنجار شده ماتریس $P = (1,2,\dots,n)$ ، لگاریتم نبری $L_n =$ شماره پاسخگو $i =$ شماره مقوله $j =$ تعداد پاسخگو $m =$

● **مرحله سوم:** با استفاده از بار اطلاعاتی مقوله‌ها ($i=1,2,\dots,n$) ضریب اهمیت هر یک از مقوله‌ها محاسبه شد و هر مقوله‌ای که دارای بار اطلاعاتی بیشتری باشد از درجه اهمیت (W_j) بیشتری برخوردار است که برای محاسبه ضریب اهمیت از رابطه زیر استفاده شده:

$$W_j = \frac{E_j}{\sum_{j=1}^n E_j}$$

درجه اهمیت = W_j بار اطلاعاتی هر مقوله = E_j تعداد مقوله‌ها = n شماره مقوله = j لازم به ذکر است در محاسبه E_j مقادیر P_{ij} که برابر صفر باشد به دلیل بروز خطا و جواب بی‌نهایت در محاسبات ریاضی با عدد بسیار کوچک $1/100000$ جایگزین شده است اما ازشاخصی است که ضریب اهمیت هر مقوله را در یک پیام با توجه به شکل پاسخگوها مشخص می‌کند از طرفی با توجه به بردار W ، مقوله‌های حاصل از پیام را نیز رتبه‌بندی شده است (آذر، ۱۳۸۰: ۱۰-۹).

یافته‌ها

در این پژوهش به تحلیل محتوای کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی براساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، پرداخته شده و یافته‌های حاصل در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. میزان توجه به ابعاد و مؤلفه‌های ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی

کتاب‌ها	اعتقادی، اخلاقی، عبادی		سیاسی و اجتماعی		زیستی و بدنی		زیبایی‌شناختی و هنری		اقتصادی و حرفه‌ای		علمی و فناوری		کل	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
مطالعات اجتماعی سوم	۱۵	۱۰/۹	۶۲	۴۴/۹	۲۱	۱۵/۲	۱۰	۷/۲	۲۵	۱۸/۱	۵	۳/۶	۱۳۸	۲۶/۱۳
مطالعات اجتماعی چهارم	۱۰	۱۱/۴۹	۳۵	۴۰/۲۳	۸	۹/۲۰	۷	۸/۰۵	۱۷	۱۹/۵۴	۱۰	۱۱/۴۹	۸۷	۱۶/۴۷
مطالعات اجتماعی پنجم	۲۷	۱۹/۸۵	۴۳	۳۱/۶۲	۲۳	۱۶/۹۱	۱۴	۱۰/۲۹	۱۶	۱۱/۷۶	۱۳	۹/۵۶	۱۳۶	۲۵/۷۵
مطالعات اجتماعی ششم	۲۹	۱۷/۳۷	۴۸	۲۸/۷۴	۱۱	۵۹/۶	۱۳	۷/۷۸	۳۴	۲۰/۳۶	۳۲	۱۹/۱۶	۱۶۷	۳۱/۶۲
کل	فراوانی	۸۱	۱۸۸	۶۳	۴۴	۹۲	۶۰	۵۲۸	۱۰۰					
	درصد	۱۵،۳۴	۳۵،۶۰	۱۱،۹۳	۸،۳۳	۱۷،۴۲	۱۱،۳۶							

براساس نتایج جدول ۲، از بین کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی ۴ پایه یعنی پایه سوم، چهارم، پنجم و ششم بیشترین توجه به ابعاد و مؤلفه‌های ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در کتاب مطالعات اجتماعی سال ششم با $۳۱/۶۲$ درصد و کمترین توجه در کتاب مطالعات اجتماعی سال چهارم با $۱۶/۴۷$ درصد می‌باشد. این نتایج همچنین نشان می‌دهد که میزان یکسانی در پرداختن به ابعاد و مؤلفه‌های ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در بین پایه‌ها دیده نمی‌شود.

همچنین براساس جدول فوق در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی بیشترین توجه به بعد سیاسی و اجتماعی با $۳۵/۶۰$ درصد و کمترین توجه به بعد زیبایی‌شناختی و هنری با $۸/۳۳$ درصد اعمال شده است. این نتایج همچنین نشان می‌دهد، درصد توجه به ابعاد مختلف ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی از توزیع یکسانی برخوردار نمی‌باشند. بعد اعتقادی، اخلاقی، عبادی (با فراوانی ۸۱ و $۱۵/۳۴$ درصد)، بعد سیاسی و اجتماعی (با فراوانی ۱۸۸ و $۳۵/۶۰$ درصد)، بعد زیستی و بدنی (با فراوانی ۱۱/۹۳ درصد) و بعد زیبایی‌شناختی و هنری (با فراوانی ۴۴ و $۸/۳۳$ درصد)، بعد اقتصادی و حرفه‌ای (با فراوانی ۹۲ و $۱۷/۴۲$ درصد) و بعد علمی و فناوری (با فراوانی ۱۱/۳۶ درصد) میزان توجه را به خود اختصاص داده‌اند که خود نشان می‌دهد میزان یکسانی در پرداختن به ابعاد مختلف ساحت‌های تربیت در کتاب درسی مطالعات اجتماعی دیده نمی‌شود.

لازم به ذکر است جهت پی‌بردن به بار اطلاعاتی داده‌های حاصل به بهنجار کردن آن‌ها پرداخته شد که داده‌های حاصل از آن در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳. داده‌های بهنجار شده میزان توجه به مؤلفه‌های ساحت‌های شش‌گانه تربیت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی

ساحت‌های شش‌گانه تربیت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش						کتاب‌ها
علمی و فناوری	اقتصادی و حرفه‌ای	زیبایی‌شناختی و هنری	زیستی و بدنی	سیاسی و اجتماعی	اعتقادی، اخلاقی، عبادی	
۰/۰۸۳	۰/۲۷۲	۰/۲۲۷	۰/۳۳۳	۰/۳۲۹	۰/۱۸۵	مطالعات اجتماعی سوم
۰/۱۶۶	۰/۱۸۴	۰/۱۵۹	۰/۱۲۶	۰/۱۸۶	۰/۱۲۳	مطالعات اجتماعی چهارم
۰/۲۱۶	۰/۱۷۳	۰/۳۱۸	۰/۳۶۵	۰/۲۲۸	۰/۳۳۳	مطالعات اجتماعی پنجم
۰/۵۳۳	۰/۳۶۹	۰/۲۹۵	۰/۱۷۴	۰/۲۵۵	۰/۳۵۸	مطالعات اجتماعی ششم

داده‌های حاصل از جدول ۳، نمرات بهنجار شده محتوای کتاب‌های مطالعات اجتماعی را در ابعاد ۶ گانه تربیت در سند تحول بنیادین را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که پس از نرمال‌سازی داده‌ها با استفاده از فرمول مرحله دوم روش شانون مقدار بار اطلاعاتی (عدم اطمینان) هر یک از مؤلفه‌ها به دست آمد که داده‌های حاصل در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴. مقدار بار اطلاعاتی توجه به ابعاد و مؤلفه‌های ساحت‌های شش‌گانه تربیت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی

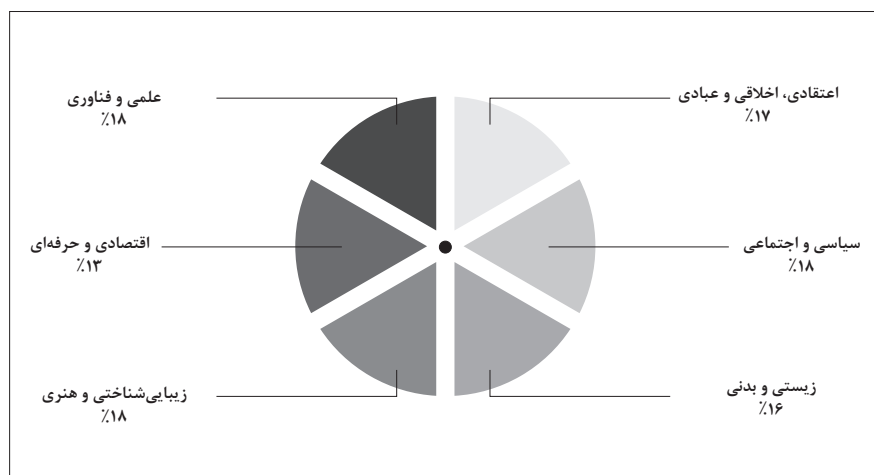
ساحت‌های شش‌گانه تربیت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش						ابعاد
علمی و فناوری	اقتصادی و حرفه‌ای	زیبایی‌شناختی و هنری	زیستی و بدنی	سیاسی و اجتماعی	اعتقادی، اخلاقی، عبادی	
۰/۹۸۰	۰/۷۳۳	۰/۹۷۵	۰/۹۳۶	۰/۹۵۴	۰/۹۳۹	بار اطلاعاتی

تحلیل داده‌های حاصل از جدول ۴ حاکی از این است که بعد علمی و فناوری، بعد اعتقادی، اخلاقی و عبادی، بیشترین و بعد اقتصادی و حرفه‌ای از کمترین بار اطلاعاتی برخوردار می‌باشند. جهت آگاهی از ضریب اهمیت ساحت‌ها پردازش در سطح بالاتری انجام شد که داده‌های آن در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. ضریب اهمیت توجه به ابعاد و مؤلفه‌های ساحت‌های شش‌گانه تربیت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی

ساحت‌های شش‌گانه تربیت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش						ابعاد
علمی و فناوری	اقتصادی و حرفه‌ای	زیبایی‌شناختی و هنری	زیستی و بدنی	سیاسی و اجتماعی	اعتقادی، اخلاقی، عبادی	
۰/۱۷۸	۰/۱۳۳	۰/۱۷۷	۰/۱۶۰	۰/۱۷۳	۰/۱۷۰	ضریب اهمیت

تحلیل داده‌های حاصل از جدول ۵ نشان می‌دهد که از بین ابعاد، بیشترین ضریب اهمیت مربوط به بُعد علمی و فناوری (۰/۱۷۸) و کمترین ضریب اهمیت مربوط به بُعد اقتصادی و حرفه‌ای (۰/۱۳۳) است. از دیگر سو، سه بُعد سیاسی و اجتماعی، علمی و فناوری، زیبایی‌شناختی و هنری اهمیت تقریباً یکسانی دارند. براساس روش شانون هر مقوله‌ای که دارای بار اطلاعاتی بیشتری باشد از درجه اهمیت (Wj) بیشتری برخوردار است. از این رو اهداف مربوط به ساحت علم و فناوری در میان ساحت‌های شش‌گانه تربیت از درجه اهمیت بیشتری برخوردار است.



نمودار ۱. ضریب اهمیت توجه به ابعاد و مؤلفه‌های ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این مطالعه بررسی میزان توجه به ساحت‌های تربیت در کتاب‌های مطالعات اجتماعی پایه سوم تا ششم ابتدایی است. یافته‌های حاصل حاکی از این است که در مجموع ۵۲۸ مرتبه به ساحت‌های شش‌گانه تربیتی (اعتقادی، اخلاقی و عبادی، سیاسی و اجتماعی، زیستی و بدنی، علمی و فناوری، اقتصادی و حرفه‌ای و زیبایی‌شناسی و هنری) توجه شده که در این میان سهم کتاب مطالعات اجتماعی در پایه سوم ۱۳۸ فراوانی، در پایه چهارم ۸۷ فراوانی، در پایه پنجم ۱۳۶ فراوانی و در پایه ششم

۱۶۷ فراوانی می‌باشد.

علاوه بر این یافته‌های حاصل حاکی از این است که محتوای کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی ایران [از لحاظ مقادیر فراوانی، بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت] در ابعاد اعتقادی، اخلاقی، عبادی (۸۱، ۰/۹۳۹، ۰/۱۷۰)، در بعد سیاسی و اجتماعی (۱۸۸، ۰/۹۵۴، ۰/۱۷۳)، در بعد زیستی و بدنی (۶۳، ۰/۹۳۶، ۰/۱۶۰)، در بعد زیبایی‌شناختی و هنری (۴۴، ۰/۹۷۵، ۰/۱۷۷)، در بعد اقتصادی و حرفه‌ای (۹۲، ۰/۷۳۳، ۰/۱۳۳) و در بعد علمی و فناوری (۶۰، ۰/۹۸۰، ۰/۱۷۸) می‌باشد. یافته‌های حاصل در رابطه با میزان توجه به ساحت‌های شش‌گانه در کتاب‌های مطالعات اجتماعی چهار پایه (سوم، چهارم، پنجم و ششم) حاکی از این است که میزان توجه به این ساحت‌ها در کتاب مطالعات اجتماعی نامتوازن است. این یافته، با نتایج پژوهش‌های بیجنوند (۱۳۸۹)، گودرزی (۱۳۹۲)، بیجنوند و باقری (۱۳۹۱) همسو می‌باشد.

از یافته‌های برجسته این پژوهش این است که به ساحت فناوری نسبت به سایر ساحت‌ها توجه بیشتری شده است. ساحت علمی و فناورانه با مؤلفه‌هایی از قبیل قضاوت با معیار روشن و پرهیز از تعجیل در قضاوت، استدلال در امور، حقیقت‌جویی، بررسی مسائل از زوایای مختلف، دوری از اغراض شخصی، شفاف‌سازی و عینیت‌گرایی در امور، انعطاف‌پذیری در عقاید، شک‌گرایی معقول (تردید سازنده) و احترام قائل شدن برای سایر دیدگاه‌ها، همراه است.

این یافته با یافته محمدی‌پویا و همکاران (۱۳۹۴)، همسو و با یافته گودرزی (۱۳۹۲)، بیجنوند و باقری (۱۳۹۱) و همکاران (۱۳۹۴)، باب‌الحوائجی و عینی (۱۳۸۸) و بیجنوند (۱۳۸۹) ناهمسو است.

محمدی‌پویا و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه خود که در زمینه تحلیل محتوای نهج‌البلاغه براساس ساحت‌های شش‌گانه انجام دادند دریافتند که در نهج‌البلاغه به ساحت زیستی تربیت (به مؤلفه‌هایی از قبیل: حفظ بهداشت زیستی، آرایش ظاهری، استحمام بدن، زیست بوم شهری، منابع طبیعی، احترام به طبیعت، سلامت فردی و اجتماعی، تعامل مستمر روح و بدن)، ساحت زیبایی‌شناختی و هنری که ناظر به رشد قوه خیال و پرورش عواطف، احساسات و ذوق زیبایی‌شناختی متریان است (به مؤلفه‌هایی از قبیل خیال‌پردازی و عواطف، نیکو داشتن هنر، آرامش روانی، زیبایی ظاهری، درک

موضوعات ذهنی، توان درک خلق آثار هنری، خلق معنا و کشف معنا، دریافت احساس و معنا) و ساحت اقتصادی و حرفه‌ای که ناظر به رشد توانایی‌های متریبان در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه‌ای است (به مؤلفه‌هایی از قبیل حفظ و توسعه ثروت، اقتصاد و معیشت، قوانین کسب و کار، پرهیز از بطالت و بیکاری، توجه به کارآفرینی، پرهیز از اسراف و تبذیر، درآمد و کسب حلال، تحول مشاغل و حرفه‌ها) همزمان توجه ویژه‌ای مبذول شده است.

از جمله یافته‌های ناهمسو می‌توان به باب‌الحوائجی و عینی (۱۳۸۸) نام برد. باب‌الحوائجی و عینی (۱۳۸۸) در مطالعه خود دریافتند که میزان به‌کارگیری استانداردهای سواد اطلاعاتی در ساحت علمی- فناوری سند ملی نسبتاً زیاد است. گودرزی (۱۳۹۲) در مطالعه خود نشان داد که در سند چشم‌انداز آموزش و پرورش توجه ویژه و خاصی به تربیت بدنی شده و از آن به عنوان ابزاری مهم برای تعلیم و تربیت یاد شده است. در حالی که در این مطالعه ساحت علمی و فناوری بیشترین توجه را به خود جلب نموده است. بیجنوند (۱۳۸۹) در پژوهش خود که در زمینه تربیت مدنی در نهج‌البلاغه انجام داد دریافت که الزامات تربیت مدنی برخورداری از تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی (که ناظر به خودشناسی و معرفت نسبت به خداوند متعال، معاد، نبوت و پذیرش ولایت رهبران دینی و پیروی از ایشان بوده از قبیل خدامحوری، خودشناسی، عدالت‌محوری، توکل بر خدا، دعا و استعانت از خدا)، برخورداری از تربیت اجتماعی و سیاسی (که ناظر به مؤلفه‌هایی از جمله مردم‌سالاری، قانون‌مندی، شایسته‌سالاری، احترام و محبت، مسئولیت‌پذیری، حفظ شأن انسانی، وفای به عهد، نظارت و پاسخگویی است) می‌باشد.

دیگر یافته‌های حاصل از این پژوهش این بود که از میان ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین در کتاب مطالعات اجتماعی ساحت علمی و فناورانه بیشترین توجه مؤلفان و برنامه‌ریزان درسی را به خود جلب نموده است. این یافته همسو با بیجنوند و باقری (۱۳۹۱) است.

نتایج پژوهش حاضر می‌تواند زمینه‌ای را جهت بازاندیشی و بازنگری کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی ایران فراهم آورد تا سیاست‌گذاران آموزشی به ساحت‌های شش‌گانه تربیتی به ویژه ساحت سیاسی و اجتماعی که با موضوع و

ماموریت درس مطالعات اجتماعی سنخیت دارد، توجه بیشتری داشته باشند.

علاوه بر این با توجه به اقتضائات آموزش و پرورش در عصر جدید و لزوم همخوانی بیشتر کتاب‌های درسی با رویکردها و ساحت‌های سند تحول بنیادین، به برنامه‌ریزان درسی پیشنهاد می‌شود که برنامه درسی ماریپچی برونز^۱ را در تدوین و طراحی برنامه درسی همواره مد نظر داشته باشند. برنامه درسی ماریپچی یک روش تنظیم محتوا است که در آن برخی مفاهیم، عقاید یا موضوع‌های اساسی به تدریج در طول برنامه درسی عرضه می‌شوند بدون آن که تمامی زمینه مورد یادگیری به‌طور کامل و منظم تکرار شود. در این شیوه با تعیین توالی تجربیات یادگیری دانش‌آموزان با جنبه‌های معین موضوعات آشنا می‌شوند و موقعیت برای برخورد دوباره آنها در شکل پیچیده‌تر در سال‌های متوالی فراهم می‌شود. این شیوه برای این بوجود آمده که مطالعات دانش‌آموزان را عمیق‌تر می‌سازد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸).

از محدودیت‌های این پژوهش این است که تنها کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی به عنوان محدوده مطالعاتی مد نظر قرار گرفته است. از این رو این یافته محدود به کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی آن هم در حوزه ساحت‌ها است و قابل تعمیم به کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره متوسطه و همین‌طور سایر بخش‌های دیگر سند نیست. از این رو به سایر محققین علاقمند هم در حوزه سند تحول بنیادین و هم حوزه مطالعات اجتماعی پیشنهاد می‌شود که در مطالعات خود کتاب‌های مطالعات اجتماعی را از زوایای دیگر سند تحول بنیادین نیز مد نظر قرار دهند.

منابع

آذر، عادل. (۱۳۸۰). بسط و توسعه روش آنتروپی شانون برای پردازش داده‌ها در تحلیل محتوا. *فصل‌نامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*، ۱۱(۳۸-۳۷)، ۱۱-۱۱.

ابراهیم‌زاده، عیسی. (۱۳۸۳). *فلسفه تربیت*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

اسکات، ویلیام. (۱۳۹۱). *تئوری حساب‌داری مالی*. ترجمه علی پارسائیان. تهران: ترمه.

باب‌الحوادثی، فهیمه و عینی، اکرم. (۱۳۸۸). تحلیل محتوای میزان به‌کارگیری استانداردهای سواد اطلاعاتی در دو ساحت تربیت سند ملی چشم‌انداز بیست ساله آموزش و پرورش (ساحت فرهنگی هنری و ساحت علمی فناوری). *فصل‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱۲(۴)، ۱۶۳-۱۸۴.

بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*. تهران: دوران.

بیجنوند، فرامرز. (۱۳۸۹). *تبیین مؤلفه‌ها و مصادیق تربیت معنوی از منظر نهج‌البلاغه*. همایش ملی سیره علوی (بازشناسی اخلاق اجتماعی در سیره علوی)، لرستان، دانشگاه لرستان.

بیجنوند، فرامرز و باقری، خسرو. (۱۳۹۱). *تبیین مؤلفه‌ها و مصادیق عبودیت از منظر نهج‌البلاغه*. اولین همایش نهج‌البلاغه و علوم انسانی، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.

پیروانی‌نیا، پونه و پیروانی‌نیا، پگاه. (۱۳۹۲). تحلیل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از نظر میزان اهمیت به یادگیری سازمانی، *فصل‌نامه یادگیری الکترونیکی مایا*، ۴(۳)، ۴۰-۴۷.

حیدری، محمدحسین، پاک‌سرسنت، محمدجعفر و صفایی مقدم، مسعود. (۱۳۸۴). آموزش و پرورش آینده‌نگر: اهداف و راهکارها. *فصل‌نامه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۱۲(۲)، ۱۳۵-۱۶۲.

رهبری، مهدی؛ بلباسی، میثم و قربی، سیدمحمدجواد. (۱۳۹۴). هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. *فصل‌نامه مطالعات ملی*، ۱۶(۶۱)، ۶۵-۶۶.

سیحانی‌نژاد، مهدی؛ جعفری‌هرندی، رضا و نجفی، حسن. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای کتاب‌های دین و زندگی دوره متوسطه از لحاظ میزان توجه به مباحث سبک زندگی اسلامی مبتنی بر سوره مبارکه حجرات. *فصل‌نامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۱(۴۱)، ۷۹-۱۰۱.

شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). *مبانی نظری سند تحول بنیادین*. تهران: شورای عالی وزارت آموزش و پرورش.

صدرالدین شیرازی، ملاصدرا. (۱۳۸۷). *شواهد الربوبیه ج اول*. ترجمه علی بابایی. تهران: انتشارات مولی.

صفارحیدری، حجت و حسین‌نژاد، رزا. (۱۳۹۳). رویکردهای عدالت آموزشی (نگاهی به جایگاه عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران). *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۴(۱)، ۴۹-۷۲.

فتحی و اجارگاه، کوروش. (۱۳۸۸). *اصول و مفاهیم درسی*. تهران: انتشارات بال.

فلاحیان، ناهید و ملک محمودی، نازیبا. (۱۳۹۲). *مطالعات اجتماعی سوم دبستان*. تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.

قاسمی، حسین و کاظمی، محمود. (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کتاب درسی هدیه‌های آسمان پایه ششم ابتدایی و میزان انطباق آن با مبانی قرآنی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. *نواآوری‌های آموزشی*، ۱۳(۵۲)، ۱۰۰-۱۱۶.

کاظمی، محمود. (۱۳۸۷). *بررسی مبانی، اصول و اهداف تربیت دینی و کیفیت انعکاس آن در نظام آموزش و پرورش ایران*. رساله دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

کاوایانی، محمد. (۱۳۸۸). تربیت اسلامی (گذر از اهداف کلی به اهداف رفتاری). *پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم*، ۱(۳)، ۷۹-۹۱.

کلینی، محمد ابن یعقوب. (۱۳۷۵). *اصول کافی*. ترجمه جواد مصطفوی. تهران: ولیعصر.

گودرزی، ابوالفضل. (۱۳۹۲). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*. فلسفه و جایگاه تربیت بدنی. *رشد آموزش تربیت باطنی*، ۱۳(۴)، ۳۲-۳۴.

محمدی‌پویا، فرامرز؛ صالحی، اکبر و مومین‌نژاد، فاطمه. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای نهج‌البلاغه بر اساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. *پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه*، ۳(۱۰)، ۶۱-۸۲.

مرزوقی، رحمت‌الله. (۱۳۸۴). تربیت مدنی از دیدگاه اسلام، رویکردهای پرورش سیاسی. *فصل‌نامه تربیت اسلامی*، ۱(۱)، ۹۳-۱۰۸.

ملکی، حسن. (۱۳۸۹). *برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)*. تهران: پیام اندیشه.

مهرمحمدی، محمود و محمودی، فیروز. (۱۳۹۱). وارونگی رویکردی نوین به طراحی برنامه‌های درسی معطوف به تربیت حرفه‌ای با تأکید بر علوم تربیتی. *دو فصل‌نامه مطالعات برنامه درسی آموزشی عالی*، ۳(۱۴)، ۱۴۱-۱۷۷.

نجفی، ابراهیم و احمدی، حسین. (۱۳۹۱). اهمیت، نقش و کارکرد خانواده از دیدگاه اسلام و بررسی جایگاه آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. *خانواده و پژوهش*، ۹(۱۴)، ۷-۳۰.

نجفی، حسن؛ وفانی، رضا و ملکی، حسن. (۱۳۹۴). تبیین ابعاد و مؤلفه‌های رشد معنوی انسان و تحلیل آن در محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران. *فصل‌نامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۱(۱)، ۱۲۵-۱۴۸.

نوریان، محمد. (۱۳۸۹). *تحلیل برنامه درسی دوره ابتدایی ایران*. تهران: گویش نو.

نیلی، محمدرضا؛ موسوی، ستاره؛ نصر، احمدرضا و مسعود، محمد. (۱۳۹۳). بررسی میزان آگاهی اعضای هیئت علمی گروه‌های فنی مهندسی دانشگاه‌های اصفهان و صنعتی اصفهان از مؤلفه‌های اساسی نوآوری برنامه‌ریزی درسی و میزان کاربست آن‌ها. *فصل‌نامه آموزش مهندسی ایران*، ۱۶(۶۴)، ۵۹-۸۸.